



## Comparative study of the common themes of wisdom of ancient Iranians and Islamic sources

Narges rashidi<sup>1</sup> | Vahid sabzianpoor<sup>2</sup> | jahnger amiri<sup>3</sup> | Ali doudman  
kushki<sup>4</sup>

1. Ph.D. student of Arabic Language and Literature, Razi University Kermanshah, Iran. E-mail: nargesrashidi235@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. .E-mail: wsabzianpoor@yahoo.com
3. Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: jahnger.amiri@yahoo.com
4. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran . Email:a.dodman@razi.ac.ir

---

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received:  
Accepted:

**Keywords:**

*e wisdom of ancient  
Iranians,  
common  
themes,  
Nahjal  
Balagha,  
Gharratal-  
Hakm,  
prophetic  
hadiths*

---

---

### ABSTRACT

One of the signs of deep thinking and wisdom of ancient Iranians is short and meaningful words and valuable advices that show their rationalism, religious orientation and adherence to their morals. The need and fascination of the Arabs for Iranian culture and civilization and their eagerness to hear the news of the ancient Iranians made them familiar with the wisdom and advice of this people through the translation of Pahlavi texts and racial mixing, and as a result, these wise words entered the Arab culture. This research is a supplement to the book "Wisdom of Ancient Iranians in Arabic Sources" which introduces more than a thousand themes of Iranian wisdom in Arabic literature. Since some sources were not available or were omitted in the mentioned research, he introduced about 250 new topics and aligned and shared them with the wisdom of Nahj al-Balagha, Gharral al-Hakm, and prophetic hadiths, etc., in terms of theological structure and We have shown a theme. In addition to introducing new Iranian wisdoms, we have tried to investigate various possibilities to justify and interpret these similarities with causal-comparative method. The comparison results based on these possibilities show the intellectual and cultural affinity of ancient Iranians with many Islamic themes due to experience, rationality and religious teachings. However, the possibility of forgery and false attribution motivated by religious and tribal prejudices is not ruled out.

---

---

**Cite this article:** Pourajam, P., Bakhshi Dastjerdi, R., & Nakhli, S. R. (2021). Title of paper. *Research in Comparative Literature*, 2 (3), 1-20.



© The Author (s).

Publisher: Razi

University

DOI: 000000000000000000000000

---



## دراسة مقارنة للمواضيع المشتركة في حكمة الإيرانيين القدماء والمصادر الإسلامية

نرگس رشیدی<sup>١</sup> | وحید سبزیان پور<sup>٢</sup> | جهانگیر امیری<sup>٣</sup> علی دودمان کوشکی<sup>٤</sup>

١. طالب الدكتوراه في فرع اللغة العربية و آدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، ایران. العنوان الإلكتروني: nargesrashidi235@gmail.com

٢. الكاتب المسؤول، أستاذ في قسم اللغة العربية و آدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، ایران. العنوان الإلكتروني: wsabzianpoor@yahoo.com

٣. أستاذ في قسم اللغة العربية و آدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، ایران. العنوان الإلكتروني: jahnger.amiri@yahoo.com

٤. ستاد المساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، ایران. العنوان الإلكتروني: a.dodman@razi.ac.ir

### الملخص

### معلومات المقال

من علامات التفكير العميق والحكمة لدى الإيرانيين القدماء الكلمات القصيرة وذات المغزى والنصائح القيمة التي تظهر عقلانيتهم وتوجههم الديني وتمسكهم بأخلاقهم. إن حاجة العرب وبنهارهم للثقافة والحضارة الإيرانية وحرصهم على سماع أخبار قدماء الإيرانيين جعلهم يتعرفون على حكمة ونصائح هذا الشعب من خلال ترجمة النصوص البهلوية والاختلاط العرقي، ونتيجة لذلك، فإن هذه دخلت الكلمات الحكيمة الثقافة العربية. هذا البحث هو ملحق لكتاب «حكمة الإيرانيين القدماء في المصادر العربية» الذي يقدم أكثر من ألف موضوع للحكمة الإيرانية في الأدب العربي. بما أن بعض المصادر لم تكن متوفرة أو تم حذفها في البحث المذكور، فقد قدم حوالي ٢٥٠ موضوعًا جديدًا وقد أظهرنا محاذاتها و تشابها مع حكمة نصح البلاغة وغرالحكم والأحاديث النبوية وغيرها، من حيث البنية اللفظية والموضوعية. بالإضافة إلى تقديم حكمة إيرانية جديدة، فقد حاولنا التحقيق في الاحتمالات المختلفة لتبرير وتفسير أوجه التشابه هذه باستخدام طريقة السببية المقارنة. تظهر نتائج المقارنة المبنية على هذه الاحتمالات التقارب الفكري والثقافي للإيرانيين القدماء مع العديد من الموضوعات الإسلامية بسبب الخبرة والعقلانية والتعليم الدينية. ومع ذلك، لا يستبعد احتمال التروير والإسناد الخاطي بدافع من التحيزات الدينية والشعبوية.

نوع المقال: مقالة محكمة

الوصول:

التنقيح والمراجعة:

القبول:

الكلمات الدلالية:

حكمة قدماء الإيرانيين،

موضوعات مشتركة،

نصح البلاغة،

غرر الحكم،

أحاديث نبوية.

الإحالة: اسم العائلة، اسم؛ اسم العائلة، اسم (١٤٤٣). عنوان المقالة. بحوث في الأدب المقارن، ١١ (٤)، ١-٢٠.



© الكتاب.

المشتر: جامعة رازي

DOI: 00000000000000000000000000000000



## بررسی تطبیقی مضامین مشترک در حکمت‌های ایرانیان باستان و منابع اسلامی

نرگس رشیدی<sup>۱</sup> | وحید سبزیان پور<sup>۲</sup> | جهانگیر امیری<sup>۳</sup> | علی دودمان کوشکی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: nargesrashidi235@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: wsabzianpoor@yahoo.com
۳. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: jahnger.amiri@yahoo.com
۴. استاد یار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: a.dodman@razi.ac.ir

### چکیده

### اطلاعات مقاله

یکی از نشانه‌های ژرف‌اندیشی و خردمندی ایرانیان باستان، سخنانی است کوتاه و پرمغز و پندهایی ارزشمند است که نشان از خردگرایی و دین‌مداری و دادورزی و پابندی به اخلاقیات آنان دارد. نیاز و شیفتگی عرب‌ها به فرهنگ و تمدن ایرانی و اشتیاق آنها به شنیدن اخبار ایرانیان باستان، باعث آشنایی آنها با حکمت‌ها و پندهای این قوم از طریق ترجمه متون پهلوی و اختلاط نژادی و در نتیجه ورود این سخنان حکیمانه به فرهنگ عربی شد. این پژوهش تکمله‌ای است بر کتاب «حکمت‌های ایرانیان باستان در منابع عربی» که به معرفی بیش از هزار مضمون حکیمانه ایرانی در ادب عربی پرداخته است. از آنجا که در پژوهش مذکور برخی منابع در دسترس نبوده و یا از قلم افتاده است، به معرفی حدود ۲۵۰ مضمون جدید پرداخته همسویی و اشتراک آنها را با حکمت‌های نهج البلاغه، غررالحکم و احادیث نبوی و... از جهت ساختار کلامی و مضمونی نشان داده‌ایم. علاوه بر معرفی حکیمانه‌های جدید ایرانی، تلاش کرده‌ایم که با روش علی-مقایسه‌ای، احتمالات مختلف را برای توجیه و تفسیر این شباهت‌ها مورد بررسی قرار دهیم. نتایج مقایسه بر اساس این احتمالات، نشان از قرابت فکری و فرهنگی ایرانیان باستان با بسیاری از مضامین اسلامی به سبب تجربه و عقلانیت و آموزه‌های دینی دارد. هرچند احتمال جعل و انتساب دروغین با انگیزه تعصبات دینی و شعوبی منتفی نیست.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

واژه‌های کلیدی:

حکمت‌های ایرانیان باستان، مضامین مشترک، نهج البلاغه، غررالحکم، احادیث نبوی.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام (۱۴۰۰). عنوان مقاله. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱۱ (۴)، ۱-۲۰.



حق مؤلف © نویسنده‌گ

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 00000000000000000000000000000000

## ۱. پیشگفتار

## ۱-۱. تعریف موضوع

فرهنگ و ادب عربی همواره در طول تاریخ، از راه‌های مختلف، متأثر از فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است. این فرهنگ، پیش از اسلام، به سبب عوامل بسیاری به فرهنگ و ادب عربی نفوذ کرد از جمله، ارتباط شاعران جاهلی با دربار ساسانی، نفوذ سیاسی و نظامی ایرانیان به یمن، استقرار خانواده‌ها و مرزداران ایرانی در منطقه حیره، روابط تجاری و... پس از اسلام نیز عوامل گوناگونی باعث تأثیر اندیشه‌های ایرانی در فرهنگ و ادب عربی شد از جمله خیل عظیم اسیران و کنیزان ایرانی که بعدها مادران قوم عرب شدند، عربی‌نویسی اندیشمندان ایرانی چون ابن مقفع، ابن قتیبه دینوری، ابوعلی سینا، بیرونی و... عربی‌سرایی شاعران ایرانی چون بشار، ابونواس، ابوالفتح بستی و... ترجمه متون پهلوی به عربی، تشکیل دولت عباسی به دست ایرانیان و نفوذ سیاسی فرهنگی آنان در دربار خلفای عباسی، شیفتگی و شوق فراوان عرب‌ها نسبت به فرهنگ ایرانی، همت والای دانشمندان ایرانی در گسترش علوم ادبی و اسلامی چون سیبویه، زمخشری، ثعالبی و... اختلاط نژادی، مهاجرت و... از دیگر سو آثار ادبی و مضامین حکمی برجای مانده از فرهنگ باستانی ایرانیان از جمله شاهنامه، جاودان خرد، الأدب الصغیر و الأدب الکبیر، مینوی خرد، متون پهلوی و... نشان می‌دهد که خردگرایی، دین‌مداری، دادورزی و پایبندی به اخلاقیات از خصیصه‌های بارز و مشترک این قوم با فرهنگ اسلامی است. این همسویی و اشتراک موجب استقبال قوم عرب از فرهنگ ایرانی شد و در آثار ادبی عرب نمود پیدا کرد و در نهایت تا آنجا پیش رفت که به تفاسیر قرآن و نهج البلاغه نیز نفوذ کرد. (نک: سبزیان‌پور و صالحی، ۱۳۹۴: مقدمه)

احمد امین (بی تا: ج ۱: ۱۸۹-۱۹۰) می‌گوید: «هؤلاء العرب الذين أخذوا بحظ من الثقافة الفارسية ملأوا الدنيا في هذا العصر العباسي علماً و حكمة»: اعرابی که در عصر عباسی از فرهنگ فارسی بهره‌مند شدند، دنیا را پر از علم و حکمت کردند. امین، ضمن اشاره به برخی حکمت‌های ایرانی می‌گوید: «كأنت هذه المعاني الفارسية تُسرق و تُنظم أو تُحتذى» (در عصر عباسی حکمت‌های ایرانی یا سرقت می‌شد و به شعر درمی‌آمد یا اینکه مانند آن‌ها گفته می‌شد).

نفوذ پند و مثل ایرانی در اشعار شاعران عرب نیز به حدی رسید که صالح بن عبدالقدوس در اشعار خود، هزار مثل ایرانی را به کار برده است. نک: (ضیف، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۵۰)

آربری (۱۹۵۹: ۲۶۱) معتقد است که ادبیات اندرزی ایرانی، بیشترین تأثیر را بر ادبیات اسلامی برجای گذاشته است. به اعتقاد تفضلی (۱۳۷۸: ۱۸۰) «اخلاقیات مهمترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهد... آنچه از این آثار به زبان پهلوی باقی مانده، اندک است و باید آنها را در کتاب‌های دوران اسلامی جستجو کرد.» حکمت‌های موجود در شاهنامه، گلستان، بوستان، قابوسنامه، کلیله و دمنه، ادب الصغیر و... به همان اندازه با کلمات قصار نهج‌البلاغه قابل تطبیق است که با سخنان منسوب به انوشیروان و بزرگمهر. (سبزیان پورو صالحی، ۱۳۹۴: مقدمه) بی سبب نیست که دوفوشه کور (۱۳۷۷: ۳۰) می‌گوید: «به دشواری می‌توان میان یک اندرز منسوب به انوشیروان و یا علی (ع) فرق نهاد.»

بر اساس این تحقیق، حکمت‌های ایرانیان باستان در منابع عربی از لحاظ مضمون، به ۸ دسته تقسیم می‌شوند: امور سیاسی، شامل موضوعاتی چون بایسته‌های پادشاهی مانند فرّه ایزدی، دادورزی، مشورت‌خواهی، عفو و چشم‌پوشی، لزوم نظارت بر کار کارگزاران و... امور علمی؛ شامل موضوعاتی مانند اهمیت علم و دانش، اهمیت علم‌آموزی و سستی نکردن در آن، ستایش عقل و خرد و... امور اخلاقی؛ شامل پرهیز از ناشایست‌هایی چون هوای نفس، بخل، خودپسندی، دروغ، سخن‌چینی و... و دعوت به شایسته‌هایی چون راستی، صبر، قناعت و... امور دینی؛ درباره موضوعاتی مانند ارزش دین و مذمت بی‌دینی، دوری از سبک‌شمردن احکام خداوند و پرهیز از گناه، بی‌اعتباری دنیا و بی‌ارزشی آن در مقایسه با آخرت و... امور فلسفی؛ درباره موضوعاتی چون بی‌انصافی و سفله‌پروری دنیا، همراهی نعمت‌های دنیوی با رنج و سختی، دشمنی روزگار با انسان، اعتقاد به قضا و قدر و... امور اقتصادی؛ شامل موضوعاتی چون ارزش مال و ثروت، مذمت احتکار، اهمیت کار و تلاش و مذمت بیکاری و تنبلی، منع تجارت برای پادشاه و... امور اجتماعی؛ شامل موضوعاتی چون آیین دوستی، اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و سفارش به ازدواج با خویشاوندان، رسیدگی به امور خانواده و... امور نظامی؛ شامل موضوعاتی مانند اصلاحات نظامی و رسیدگی به اوضاع نظامیان، توجه به تاکتیک‌های نظامی، و فراهم آوردن امنیت و... است.

یکی از شایسته‌ترین پژوهش‌ها، یافتن خاستگاه و سرچشمه این حکمت‌ها است. از این رو کتاب «حکمت‌های ایرانیان باستان در منابع عربی» (۱۳۹۴) به معرفی حکمت‌های ایرانی در منابع عربی پرداخته است. این کتاب ضمن مقدمه‌ای به معرفی پژوهش‌های پیشین در زمینه ایران‌شناسی، نقاط قوت و ضعف این آثار را بیان کرده در مقدمه‌ای جامع، زمینه‌های تاریخی و سیاسی نفوذ فرهنگ و تمدن ایران باستان

در فرهنگ ادب عرب پیش از اسلام و راه‌های نفوذ فرهنگ و تمدن ایران در دورهٔ اسلامی و زمینه‌های همسویی و اشتراک اندیشه‌های ایرانی و اسلامی را بیان می‌کند و سپس به معرفی حکمت‌های ایرانی در منابع عربی بر اساس ترتیب تاریخی می‌پردازد. حاصل پژوهش مذکور معرفی بیش از ۱۰۰۰ مضمون حکمی ایرانی در ۶۱ منبع عربی از ۴۸ نویسنده است. این کتاب، سخنان حکمت‌آمیز ایرانیان را از ۴۱ شخصیت ایرانی به شرح زیر نقل کرده است: بزرگمهر ۴۶۰، انوشروان ۳۴۲، اردشیر ۱۶۴، پرویز ۷۰، قباد ۳۰، بهرام گور ۲۲، آذرباد ۱۵، هرمز بن شاپور ۶، رستم ۶، اسفندیار ۵، منوچهر ۴، پشنگ بن تور ۴، کیخسرو بن سیاوش ۴، افراسیاب ۴، هرمز بن انوشروان ۴، کیکاووس ۴، شاپور بن اقفور شاه ۴، یزدگرد بن بهرام ۴، جوذر بن شاپور ۳، اقفور شاه ۳، خسرو بن پرویز ۳، اردوان اکبر ۳، اردوان اصغر ۳، فیروز بن یزدگرد ۳، بالاش بن فیروز ۳، دارای اصغر ۳، فریدون ۳، بهمن ۳، نرسی بن ایران ۲، دارای اکبر ۲، زال بن رستم ۲، زو بن طهماسب ۲، هرمز بن نرسی ۲، اردشیر بن هرمز ۲، شاپور بن شاپور ۲، شاپور ذوالاکتاف ۲، هوشنگ ۲، نرسی بن بهرام ۱، یزدگرد بن شهریار ۱، بهرام بن هرمز ۱، ساسان ۱.

علاوه بر ۴۱ شخصیت مذکور، در منابع عربی، تعداد ۱۷۲ حکمت از ایرانیان (فرس) و ۲۲ حکمت از موبدان نیز نقل شده است. مجموع حکمت‌های ایرانی در منابع عربی این تحقیق، ۱۴۰۰ مورد بوده که ۴۳۲ مورد آن تکراری و بیشترین حکمت را ابن مسکویه با ۳۳۳ مضمون نقل کرده و در مقابل، در برخی منابع فقط یک حکمت از ایرانیان نقل شده است.<sup>(۱)</sup>

## ۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

ضرورت این پژوهش در ترسیم تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در فرهنگ عربی و ورود مضامین و اندیشه‌های ایرانی به منابع عربی و اشاره به این نکته است؛ از میان حکمت‌هایی که به منابع عربی راه یافته‌اند، مطالبی نقل شده که شباهت ساختاری و مضمونی بسیاری به مضامین حکمی نهج‌البلاغه، غررالحکم، احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی دارد. بنابراین لازم است که بدون ورود به مناظره‌های طولانی و پیروی از افکار متعصبانه، به تحلیل و تفسیر این شباهت‌ها پرداخته و احتمالات مختلف را بررسی نمود.

## ۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱- مضامین مشترک حکمت‌های ایرانی و اسلامی کدام است؟

۲- بسامد مقایسه مضامین مشترک در حکمت‌های ایرانی و منابع اسلامی چقدر است؟

۳- علل و احتمالات تشابه مضامین حکمی ایرانی و اسلامی در چیست؟

#### ۴-۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع مضامین مشترک در زبان فارسی و عربی مقاله‌های فراوانی نوشته شده که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد، اما ذکر چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با پیشینه این مقاله دارند به شرح زیر است: حبیب‌اللهی در مقاله «مضامین مشترک در عربی و فارسی» (۱۳۴۶) و دامادی در کتاب مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی (۱۳۷۱)، نمونه‌هایی از مضامین مشترک را در ادب فارسی و عربی بیان کرده‌اند. اکبری در مقاله «نگاهی اجمالی بر مضامین مشترک در دو زبان عربی و فارسی» (۲۰۰۳)، گوشه‌هایی از مشترکات میان زبان و ادب فارسی و عربی را در چهار محور داستان معراج نبوی، ترجمه و تألیف، مشترکات لغوی و هنری و موضوعات ادبی بررسی کرده است. در آثار پیشین، هیچ‌یک اشاره‌ای به مضامین مشترک حکمت‌های ایرانی با منابع اسلامی نداشته‌است. سبزیان‌پور در زمینه تأثیر حکمت‌های ایرانی در ادب عربی، چند مقاله دارد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد: «نقبی به روشنایی: در جستجوی امثال ایرانی در نظم عربی» (۱۳۸۹) این مقاله، امثال و حکم ایرانی نفوذ یافته در شعر عربی و موضوعات آن را بررسی کرده و علاوه بر معرفی اشعار عربی که ترجمه امثال ایرانی هستند، ۱۰ نمونه را بیان کرده که شاعران عرب به صراحت در اشعار خود، امثال ایرانی را به کار گرفته‌اند. «تأثیر فرهنگ و ادب ایرانی در ادب عربی؛ مطالعه مورد پژوهانه (امثال مولد)» (۱۳۹۰) نویسنده در این مقاله مدعی است که بخش اعظم بیش از هزار مثل مولدی (غیرعربی) که در منابع عربی وجود دارد، ایرانی است. سبزیان‌پور و صالحی، بررسی دادورزی ایرانیان در منابع عربی و مقایسه آن با نهج‌البلاغه (۱۳۹۱)، مضامین حکمی ایرانیان باستان با موضوع عدالت و دادورزی را با حکمت‌های نهج‌البلاغه مقایسه کرده است ولی اشاره‌ای به حکمت‌های غررالحکم و احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی ننموده است. سبزیان‌پور و صالحی، بررسی تطبیقی عدالت ایرانیان در شاهنامه فردوسی و منابع عربی (۱۳۹۱) بر اساس این مقاله، شباهت حیرت‌آور عدالت‌خواهی ایرانیان در شاهنامه و منابع عربی، نشان از سرچشمه‌های فرهنگی و فکری مشترک دارد که آن سرچشمه‌ها اندیشه‌های ایرانیان باستان در منابع عربی است. مقاله «جلوه‌های خردورزی ایرانیان باستان در شاهنامه و منابع عربی» (۱۳۹۵)، مضامین مشترک شاهنامه و حکمت‌های ایرانی را در منابع عربی با موضوع عقل و خرد بررسی کرده است. این آثار علاوه بر مقالات

فراوان دکتر سبزیان‌پور، زمینه‌های تاریخی و سیاسی نفوذ فرهنگ ایرانیان باستان را در ادب عربی مشخص می‌کنند و گامی مهم در مسیر معرفی فرهنگ ایرانیان باستان و تأثیر آن در ادب عربی است.

## ۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحقیق تاریخی، حکمت‌های ایرانی از منابع عربی جمع‌آوری شده، سپس با استفاده از روش علی-مقایسه‌ای وجوه مشترک آنها را با مضامین حکمی منابع اسلامی ذکر کرده و سپس احتمالات مختلف را در مورد علل این تشابهات بیان می‌کند.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۲-۱. مضامین مشترک ایرانی و نهج‌البلاغه

در این پژوهش ۲۶ مضمون مشترک با نهج‌البلاغه دیده می‌شود که تعداد ۳ حکمت عیناً تکرار شده و ۵ حکمت دارای مضامین بسیار نزدیک و ساختار کلمات مشابه هستند و تعداد ۱۸ حکمت تنها از نظر مضمون با حکمت‌های ایرانیان باستان مشترکند. در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

#### ۲-۱-۱. حکمت‌هایی که عیناً تکرار شده‌اند

۱- از نصایح شاهان ایرانی: «... وَلَا تَكْبِرَنَّ شُبُهَةً...» (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۷) و (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۹) (... و بر مرکب امور مشکوک سوار نشو...); (خ. ۳۸) <sup>(۲)</sup>

۲- قَالَ بَرِجْمَهُ: «أَعَجَزَ النَّاسُ مِنْ عَجَزٍ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَأَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ صَبَّحَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ.» (عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۶۵) (ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد، و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستانش را از دست بدهد.); (ق. ۱۲)

۳- قَالَ فِرْوَزُ بْنُ يَزْدَجَرْدَ: «مَا أَقْبَحَ الْخِضْوَعُ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَالتَّيُّهُ عِنْدَ الْإِسْتِغْنَاءِ.» (ثعالبی، الإعجاز...، بی تا، ج ۱: ۶۶) و (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۳) (فیروز بن یزدگرد گفت: چه زشت است خضوع در هنگام نیاز و تکبر در هنگام بی‌نیازی.); (ن. ۳۱)

#### ۲-۱-۲. مضامین بسیار نزدیک

۱- از نصایح یکی از شاهان ایرانی به فرزندش: «...لَا تُعَجَّلْ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِي غَاشِي، وَإِنْ قَالَ قَوْلَ النَّصِيحِ» (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۷) و (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۹) (در نصیحت برخی از پادشاهان برای



فرزندش آمده: ... برای تأیید سخن چین عجله نکن زیرا سخن چین فریبکار است، هر چند مانند خیرخواه سخن گوید. علی (ع): «لَا تُعَجِّلَنَّ أَلَىٰ تَصْدِيقِ سَاعٍ: فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٍ، وَ إِنْ تَشَبَهُ بِالتَّاصِحِينَ.» (خ. ۵۳) (۳)

۲- قَالَ هُوشَنجُ: «... وَ بِسَلَامَةِ الصَّدْرِ تُوضَعُ الْحُبَّةُ فِي الْقَلْبِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنگ: ... و با سلامتی سینه، عشق در قلب جای می گیرد.) علی (ع): «وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ.» (ن. ۵۳)

۳- از نصایح یکی از شاهان ایرانی به فرزندش: «وَ لَا تَرْضَيْنَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۴) (راضی نباش برای مردم مگر به آنچه برای خودت راضی هستی...) علی (ع): «وَارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ هُمْ مِنْ نَفْسِكَ...» (ن. ۳۱)

۴- از نامه قباد به پسرش: «يَا بُنَيَّ: لَا تُدْخِلْ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا فَإِنَّهُ يُقْصِرُ بِكَ عَنِ غَايَةِ الْفَضْلِ، وَلَا جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْأُمُورَ عِنْدَ انْتِهَازِ الْفُرْصَةِ.» (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۹) (ای پسر: با انسان بخیل مشورت نکن زیرا تو را از رسیدن به غایت بزرگی باز می دارد، و از مشورت با انسان ترسو پرهیز زیرا در هنگام استفاده از فرصت ها، اوضاع را بر تو تنگ می کند.) از نامه علی (ع) به مالک اشتر: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَغْدُلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّرُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجُورِ.» (ن. ۵۳)

۵- از نامه قباد به پسرش: «يَا بُنَيَّ: فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَنْتَ أَحَقُّ مِنْ سِتْرِهَا وَكُرْهَ مَا تَكْشِفُ مِنْ غَائِبِهَا فَإِنَّمَا إِلَيْكَ الْحُكْمُ عَلَىٰ مَا ظَهَرَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ فِيهِمْ غَائِبًا.» (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۰) (ای پسر: مردم عیب هایی دارند که تو به پوشاندن آن و اکراه از فاش شدن عیب کسی که خودش حضور ندارد، شایسته تری، قضاوت تنها در مورد آنچه ظاهر است بر عهده توست و خداوند در مورد آنچه غائب است، قضاوت می کند.) از نامه علی (ع) به مالک اشتر: «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سِتْرِهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ...» (ن. ۵۳)

### ۲-۱-۳. مضامین مشترک

۱- قَالَ هُوشَنجُ: «إِذَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدَ مَنْ لَا يُقْبَلُ مِنْهُ ... ضَاعَتِ الْأُمُورُ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۳) (هوشنگ: هنگامی که رأی و نظر نزد کسی باشد که از وی پذیرفته نمی شود ... کارها ضایع می شوند) علی (ع): «لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ.» (خ. ۲۷)

۲- قَالَ هُوشَنجُ: «مَنْ لَا يُبْطِئُهُ الْغِنَىٰ وَ لَمْ يَسْتَكِنْ فِي الْفَاقَةِ وَ لَمْ تَهْدِهِ الْمَصَائِبُ وَ لَمْ يَأْمَنِ الدَّوَائِرُ وَ لَمْ يَسَسِ الْعَوَاقِبُ؛ فَذَاكَ الْكَامِلُ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۳) (هوشنگ: کسی که بی نیازی او را سرکش نسازد و در فقر، ضعیف و بیچاره نگردد و مصیبت ها او را نابود نکند و از حوادث روزگار احساس امنیت نکند و عواقب را فراموش

نکنند، انسان کاملی است.) علی (ع): «أَنتُمْ إِذَا كَانُوا فِي بَلَاءٍ كَانُوا بِالْأَمَلِ فِي اللَّهِ، كَأَنَّكُمْ كَانُوا فِي رَحَاءٍ لَا يَجْرَعُونَ وَلَا يَهِنُونَ، وَ إِذَا كَانُوا فِي رَحَاءٍ كَانُوا مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَحَذَرِ النَّقْمَةِ، كَأَنَّكُمْ فِي بَلَاءٍ لَا يُبْطِرُونَ وَلَا يَتَجَرَّبُونَ.» (ن. ۵۳)

۳- قَالَ هوشنخ: «... عِنْدَ نُزُولِ الْبَلَاءِ تَطَهَّرُ فَضَائِلُ الْإِنْسَانِ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنگ: ... و هنگام گرفتاری، فضائل انسان پدیدار می گردد...) علی (ع): «فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عُلْمَ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ.» (ق. ۲۱۷) «أَلَا إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَ الْوَرَائِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوزًا وَ الْنبَاتَاتِ الْبَدْوِيَّةَ أَقْوَى وَ تُودًا وَ أَبْطَأَ حُمُودًا.» (ن. ۴۵)

۴- قَالَ هوشنخ: «... وَ عِنْدَ طُولِ الْعَيْبَةِ تَطَهَّرُ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنگ: ... هنگامی که غیبت طولانی گردد، همدلی دوستان آشکار می شود...) علی (ع): «لَا يَكُونُ الصِّدِّيقُ صِدِّيقًا حَتَّى يَحْفَظَ إِخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: ... وَ فِي غَيْبَتِهِ.» (ق. ۱۲۹)

۵- قَالَ الْفُرس: «... رَبُّ طَبِيعِ صَالِحٍ أَفْسَدَتْهُ مُنَادِمَةُ الْأَشْرَارِ وَ عَشْرَةُ السُّفَلَةِ وَ مُعَاظَةُ أَهْلِ السُّخْفِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۸۵) (ایرانیان: ... چه بسا طبع نیکی که هم نشینی با اشرار و معاشرت با فرومایگان و انسان های سست، آن را فاسد می کند...) علی (ع): «قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تُكُنْ مِنْهُمْ وَ تَابِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ.» (ن. ۳۱)

۶- قَالَ ابْرُويزُ: «الْمَلِكُ عَقِيمٌ، أَي: لَا أَرْحَامَ بَيْنَ الْمَلُوكِ وَ بَيْنَ أَحَدِهِ.» (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۶۳) (پرویز گفت: پادشاه عقیم است، یعنی هیچ صله ای بین پادشاه و دیگران وجود ندارد.) علی (ع): «صَاحِبُ السُّلْطَانِ كِرَاكِبِ الْأَسَدِ: يَغِيْطُ بِمَوْعِيهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَوْضِعِهِ.» (ق. ۲۶۳)

۷- مِنْ أَمْثَالِ الْفُرسِ: «الْمَفْرُوحُ بِهِ هُوَ الْمَحْزُونُ عَلَيْهِ.» (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۳) (از امثال فرس: چیزی که با آن خوشحال می شوی، همان است که بر آن غمگین می گردی.) آمیختگی غم و شادی در دنیا نیز از مفاهیم مشهور در نهج البلاغه است: «لَمْ يَكُنْ امْرُؤٌ مِنْهَا فِي خَيْرٍ إِلَّا أَعْقَبَتْهُ بَعْدَهَا عِبْرَةٌ...» (خ. ۱۱۱)

۸- وَكَانَتْ مُلُوكُ الْفُرسِ إِذَا عَضِبَتْ عَلَى عَاقِلٍ حَبَسَتْهُ مَعَ جَاهِلٍ. وَالْأَحْمَقُ يُسِيءُ إِلَى غَيْرِهِ وَيَطْرُقُ أَنَّهُ قَدْ أَحْسَنَ إِلَيْهِ فَيُطَالِيهِ بِالشُّكْرِ وَ يُحْسِنُ إِلَيْهِ فَيُظَنُّ أَنَّهُ قَدْ أَسَاءَ فَيُطَالِيهِ بِالْوَتْرِ...» (ماوردی، بی تا، ج ۱: ۲۷) (پادشاهان ایران، زمانی که بر عاقلی خشم می گرفتند وی را با یک نادان زندانی می کردند، احمق به دیگری بدی می کند و به گمانش به وی خوبی کرده و منتظر قدردانی می شود و به وی خوبی می کند و به گمانش به وی بدی کرده و منتظر انتقام جویی است...) علی (ع): «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَفْتَعَكَ فَيُضْرِكُ.» (ق. ۲۸)

۹- عَهَدَ بَعْضُ مُلُوكِ الْفُرسِ إِلَى ابْنِهِ، فَقَالَ: «لَا تُكُونَنَّ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ أَشَدَّ خَشِيَةً... مِنْ يَدِ مَشْغُولَةٍ أَحَدَنْتَ فَرَاغًا أَوْ كَرِيمٍ حَالٍ إِلَى ضُرٍّ أَوْ لَيْمٍ صَارَ إِلَى فَرَحٍ فَإِنَّهُ يَتَوَلَّدُ مِنْ تَنَقُّلِ النَّاسِ عَنِ خَالَئِهِمْ فَسَادُ مُضِرٍّ.» (ماوردی، بی تا، ج ۱: ۲۴۱) (یکی

از پادشاهان ایرانی به پسرش وصیت کرد: از هیچ چیز به این اندازه نترس... شاعلی که خود را بیکار کند، یا دست بخشنده‌ای که به ضرر و زیان تبدیل شود یا فرومایه‌ای که شاد شود، زیرا در اثر دور شدن افراد از حالات خویش فساد زیان‌بار ایجاد می‌گردد. (علی (ع): «احذروا صَوْلَةَ الْكَرِيمِ إِذَا جَاعَ وَ اللَّيْمِ إِذَا شَبِعَ.» (ح. ۴۶)

۱۰- قَالَ أَنُوشِرَوَانُ: «... فَاجْتَنِّ تَمَرَّ الْعَقْلِ وَإِنْ أَتَاكَ مِنْ لِقَامِ الْأَنْفُسِ.» (وطواط، ۱۴۲۹، ج ۱: ۴۴) (انوشیروان گفت:... پس ثمرات عقل را بچین حتی اگر از نفسی فرومایه باشد.) علی (ع): الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ الْبِقَاقِ.» (ق. ۷۷)

۱۱- يَقُولُ بَرُويزُ: «... وَ قَلَّ شَيْءٌ يَكُونُ فِي الْقَلْبِ إِلَّا ظَهَرَ فِي الْعَيْنَيْنِ، إِذْ كَانَتِ الْأَعْضَاءُ مُشْتَرِكَةً يَتَعَلَّقُ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ.» (جاحظ، ۱۳۳۲، ج ۱: ۹۲-۹۳) (برویز: و چیزی در قلب نیست مگر اینکه در چشم‌ها ظاهر می‌شود، زیرا اندام‌ها مشترک هستند و به یکدیگر متصل می‌شوند.) علی (ع): «مَا اضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فُلْتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ.» (ق. ۲۶)

۱۲- «لَمَا قَتَلَ كِسْرَى بَرَجْمَهْرَ وَجَدَ فِي مَنْطِقَتِهِ كِتَاباً: وَإِذَا كَانَ الْعَدُوُّ فِي النَّاسِ طِبَاعاً فَالْتِمَةُ بِكُلِّ أَحَدٍ عَجْزٌ.» (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۳: ۲۱۳) (هنگامی که کسری بزرگمهر را به قتل رساند، نوشته‌ای در شال کمر او یافت: اگر خیانت در مردم خصلت است، پس اعتماد به همه، نشانه ناتوانی است.) علی (ع): «إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الرِّمَانِ وَ أَهْلِهِ، ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَطْهَرْ مِنْهُ حَذْبَةً، فَقَدْ ظَلَمَ؛ وَ إِذَا اسْتَوَى الْفُسَادُ عَلَى الرِّمَانِ وَ أَهْلِهِ، فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ، فَقَدْ عَزَّرَ.» (ق. ۱۴)

۱۳- قَالَ هُوشَنجُ: «... وَ مَعَ الرِّضَا يَطِيبُ الْعَيْشُ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۷) (هوشنگ: ... با رضایت، زندگی خوش می‌شود...) علی (ع): «نِعْمَ الْقَرِينُ الرِّضَا» (ق. ۴)

## ۲-۲. مضامین مشترک ایرانی و غررالحکم

در این بخش به ۴۸ حکمت ایرانی دست یافته‌ایم که ۹ مورد آن، عیناً در غررالحکم تکرار شده‌است و ۵ مورد دارای مضمون و ساختار کلامی نزدیک و ۳۴ حکمت، شباهت مضمونی دارند. در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

### ۲-۲-۱. حکمت‌هایی که عیناً تکرار شده‌اند

۱- از نصایح ایرانیان: «... وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَكَ...» (جاحظ، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۰) (... بهترین مردم کسی است که به تو نفع برساند،...); (آ. ۵۰۰۱)

۲- قَالَ هوشنخ: «...وَبِالْحِكْمَةِ يُكشِفُ غطاءَ العِلْمِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۵) (هوشنگ: ... و با حکمت، پرده‌های علم برداشته می‌شود...); (آ. ۶۲۵)

۳- «قَالَ هوشنخ: ... وَ عِنْدَ الْحَيْرَةِ تَنكشِفُ عُقُولُ الرِّجَالِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنگ: ... هنگام آشفستگی، عقل مردان آشکار می‌گردد...); (آ. ۱۷۴۵)

۴- قَالَ هوشنخ: «...مِنَ عِزِّ النَّفْسِ لُزُومُ الْقِنَاعَةِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنگ: ... لزوم قناعت، نشانه عزت نفس است...); (آ. ۹۰۲۶)

۵- قَالَ هوشنخ: «قَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۷) (هوشنگ: دوری از نادان، برابر با هم‌نشینی با عاقل است.); (آ. ۹۸۶۹)

## ۲-۲-۲. مضامین بسیار نزدیک

۱- از نصایح یکی از شاهان به پسرش: «وَلَا تَعِدَنَّ وَعَدًا لَيْسَ فِي يَدِكَ وَفَأُوهُ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۴) (در وصیتی از یکی از پادشاهان ایرانی به پسرش: ... وعده‌ای نده که نتوانی به آن عمل کنی.) علی (ع): «لا تُعَدِّ بِمَا تَعَجُّزُ عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ...» (آ. ۵۲۹۹)

۲- مِنْ امثالِ الفُرسِ: «إِن لَمْ تُغضِ عَلَى الْقَدَى لَمْ تَرْضَ أَبْدًا...» (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۳) (از امثال فرس: اگر از خس و خاشاک چشم‌پوشی نکنی هرگز راضی نخواهی شد.) علی (ع): «أَغضِ عَلَى الْقَدَى وَ إِلَّا لَمْ تَرْضَ أَبْدًا...» (آ. ۲۵۴۷)

۳- بُزْرَجَهُ: «لَا مَجْلِبَةَ لِلْمَقْتِ كَالْإِعْجَابِ...» (طرطوشی، ۱۸۷۲، ج ۱: ۹۸) (هیچ چیز مانند غرور و تکبر موجب جلب کینه نمی‌شود) علی (ع): «ما اجْتَلَبَ الْمَقْتِ بِمِثْلِ الْكِبْرِ...» (آ. ۶۸۵)

۴- گفتگوی انوشروان با مرزبانان: «مِنَ أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ أَشَدُّ حِزْرًا؟ قَالُوا مِنَ الْعَدُوِّ الْفَاجِرِ، وَالصَّدِيقِ الْغَادِرِ...» (قرطبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۸) (از چه چیزی بیشتر می‌ترسید؟ گفتند: دشمن بدکار و دوست خیانت‌کار.) علی (ع): «أَحَقُّ النَّاسِ أَنْ يَحْذَرَ... الْعَدُوَّ الْقَادِرَ وَ الصَّدِيقَ الْغَادِرَ...» (آ. ۸۰۰۷)

## ۲-۲-۳. مضامین مشترک

۱- قَالَ قِبَادٌ لِإِبْنِهِ كَسْرَى؛ «يَا بُنَيَّ: وَأَعْطِ النَّاسَ مِنْ عَفْوِكَ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيكَ مِنْ فَوْقِكَ» (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۰) (قباد به پسرش انوشیروان گفت: مردم را ببخش همانطور که دوست داری مافوق تو را ببخشد.) علی (ع): «ارْحَمْ مَنْ دُونَكَ يَرْحَمَكَ مَنْ فَوْقَكَ...» (آ. ۲۹۷)

۲- وَجَدَ فِي وَصِيَّةِ الْفَرَسِ: ... وَخَيْرُ الْعِلْمِ مَا هَدَاكَ» (جاحظ، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۰) (در نصایح ایرانی آمده است: ... بهترین علم، علمی است که تو را هدایت می کند...) علی (ع): «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا أَصْلَحَتْ بِهِ رَشَادَكَ وَ شَرُّهُ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ مَعَاذَكَ.» (آ. ۵۰۲۳)

۳- قَالَ مُوبَدٌ: «مَتَى تَغَيَّرَ عَدْلٌ يَجُورُ تَسَاقَطَ إِلَى أَرْبَابٍ ذَلِكَ مَا يَكْرَهُونَ.» (ابن قتیبه، ۱۴۱۹، ج ۱: ۷۴) (موبد: هرگاه عدالت به ستم تغییر پیدا کند، آنچه پادشاهان دوست ندارند، به آنها روی می آورد.) علی (ع): «الْعَدْلُ قَوَامُ الْبَرِيَّةِ وَالظُّلْمُ بَوَازُ الرَّعِيَّةِ.» (آ. ۸۵۷) «مَنْ جَازَتْ وَلَا يُثْبِتُهُ زَالَتْ دَوْلَتُهُ.» (همان: ۷۱۵) «الظُّلْمُ يُدْمِرُ الدِّيَارَ.» (همان)

۴- قَالَ بُرْجَهْرٌ: «لَا يَعْدُو الْمَرْءُ رِزْقَهُ وَإِنْ حَرَصَ.» (ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۴) (انسان بر روزیش پیشی نمی گیرد هر چند حریص باشد.) علی (ع): «الرِّزْقُ مَقْشُومٌ فَلَا يُعْمَنُ أَحَدُكُمْ إِبْطَاؤُهُ فَإِنَّ الْحَرِصَ لَا يُقَدِّمُهُ.» (آ. ۱۰۳)

۵- أَرْدَشِيرُ يَقُولُ: «وَقَدْ نَجِدُ ذُو الْمَعْرِفَةِ فِي نَفْسِهِ عِنْدَ مُعَاشَرَةِ السَّفَلَةِ الْوَضْعَاءِ شَهْرًا فَمَادَ عَقْلِهِ ذَهْرًا.» (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۵) (انسان دانا ممکن است در مدت یک ماه معاشرت با افراد پست و فرومایه، برای همیشه عقلش را فاسد ببیند.) علی (ع): «إِحْدَرُ مَجَالَسَةَ قَرِينِ السَّوِّ فَإِنَّهُ يُهْلِكُ مُقَارِنَتَهُ وَ يُرْدِي مُصَاحِبَهُ.» (آ. ۲۵۹۹)

۶- قَالَتْ فُرْسٌ: «الْصِدْقُ زِينٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ سِعَايَةً، فَإِنَّ السَّاعِيَّ أَحْبَبْتُ مَا يَكُونُ إِذَا صَدَقَ.» (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۹)، (طروش، ۱۸۷۲، ج ۲: ۳۰۲) (صداقت زینت است، مگر اینکه سخن چینی باشد، زیرا سخن چین هنگامی که راست می گوید، خبیث ترین است.) علی (ع): «أَكْذَبُ السَّعَايَةِ وَ التَّمِيمَةِ بَاطِلَةٌ كَانَتْ أَوْ أُمَّ صَاحِبَةٍ.» (آ. ۴۴۵۱) علی (ع): «أَسْوَأُ الصِّدْقِ التَّمِيمَةُ.» (آ. ۴۴۵۲)

۷- قَالَ بُرْجَهْرٌ: «عَمَلُ الْعِفَافِ كَفُّ النَّفْسِ عَنِ التَّيْبَاتِ وَ عَنِ الشَّهَوَاتِ الْمُرِيدَةِ وَ الْحَمْلُ لَهَا بِالْعَادَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْخُلُقِ الْمِحْمُودِ عَلَى الْبِرِّ وَ الْفَضَائِلِ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۳۲) (کار عفاف، بازداشتن نفس از بدی ها و شهوت های نابودگر و سوق آن به سوی عادات پسندیده و اخلاقی است که با نیکی ها و فضائل ستایش شده است.) علی (ع): «بِالْعِفَافِ تَزْكُو الْأَعْمَالُ.» (آ. ۵۴۲۲)

۸- قَالَ بُرْجَهْرٌ: «فَازِدْ بِمَا عَمِلْتَ مِنَ الْعِلْمِ ضَنْأً وَ إِبْتِهَاجاً وَ عَلَيْهِ حِرْصاً وَ ذُؤُوباً.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۴۸) (بزرگمهر گفت: به علمی که داری با شادی و نشاط بیفزای و بر آن حرص و اشتیاق و تلاش داشته باش.) علی (ع): «أَطْلُبِ الْعِلْمَ تَرَدُّدَ عِلْمَاءٍ.» (آ. ۷۷)

۹- قَالَ آذْرِبَادٌ: «... دَرَبٌ نَفْسَكَ عَلَى التَّوَاضُعِ لِلنَّاسِ فَلَنْ يَصْعَكَ ذَلِكَ مِنْكَ بَلْ يَرْفَعُكَ وَ يَزِيدُ فِي مِقْدَارِكَ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۲۶) (آذرباد گفت: نفست را بر تواضع در مقابل مردم عادت بده، زیرا این امر چیزی از تو کم نمی کند، بلکه جایگاه تو را بالا می برد و بر ارزش تو می افزاید.) علی (ع): «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَرَفَتْ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدِ

طوره.» (آ. ۵۲۰۴)

۱۰- قال آذرباد: «لَا تَسْتَعْمِلِ الْعَشَّ وَ التَّمْوِيهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أُمُورِكَ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۲۷) (آذرباد گفت: فریب و پنهان کاری را در هیچ یک از کارهایت به کار نبر.) «العشُّ سحیةُ المردة.» (آ. ۸۱۴۵) و «العشُّ یکسبُ المسببة.» (آ. ۸۱۴۶) و...

۱۱- قال آذرباد: «وَ إِذَا حَرَكْتَ فِي شَرِّ فُكْنٍ مُتَوَقِّعاً لِعِقَابِهِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۲۸) (آذرباد گفت: اگر در مسیر شر حرکت کردی منتظر عقاب آن باش... علی (ع): «العقابُ ثَمَارُ السَّيِّئَاتِ.» (آ. ۳۲۵۷) «المعصيةُ تجتلبُ العقوبة.» (آ. ۳۲۵۸)

۱۲- قال آذرباد: «تَأْبِرْ عَلَى الْإِجْتِهَادِ فِي إِدْخَارِ الْحَسَنَاتِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۲۸) (آذرباد گفته است: در انجام نیکی ها و ذخیره آنها تلاش کن... علی (ع): «تَأْبِرُوا إِلَى فِعْلِ الْخَيْرَاتِ وَ بَادِرُوا إِلَى فِعْلِ الْحَسَنَاتِ.» (آ. ۳۴۷۷)

۱۳- قال هوشنخ: «... وَ يَصِدِقُ التَّوَكُّلُ يُسْتَحَقُّ الرِّزْقُ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنخ: با توکل راستین، رزق و روزی محقق می شود... علی (ع): «حَسْبُكَ مِنْ تَوَكُّلِكَ أَنْ لَا تَرَى لِرِزْقِكَ مُجْرِباً إِلَّا اللَّهَ سُبْحَانَهُ.» (آ. ۹۱۸۲)

۱۴- قال هوشنخ: «... وَ بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ يُنَالُ رِضَا الرَّبِّ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنخ: ... و با پرهیز از کارهای حرام، رضای پروردگار به دست می آید... علی (ع): «إِذَا آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ اتَّقَيْتَ مُحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ وَ إِذَا أَرْضَيْتَهُ تَعَمَّدَكَ بِالرِّضْوَانِ.» (آ. ۱۴۸۶)

۱۵- كِسْرَى: «كثيرُ الخطبِ يكفيه قليلُ النَّارِ.» (ثعالبي، الخاص، بی تا، ج ۱: ۶۸) (آتش اندک برای هیزم بسیار کافی است.) علی (ع): «قليلُ الحقي يدفع كثيرَ الباطلِ كما أنَّ القليلَ من النَّارِ يحرقُ كثيرَ الخطبِ.» (آ. ۹۳۶)

۱۶- كَانَ قِبَادُ بْنُ فَيْرُوزٍ يَقُولُ: «السَّفَرُ سَفِينَةُ الْأَدْيِ.» (ثعالبي، الخاص..بی تا، ج ۱: ۷۰) (قباد بن فیروز گفت: سفر کشتی عذاب است.) علی (ع): «السَّفَرُ أَحَدُ الْعَذَابِينَ.» (آ. ۱۶۲۵)

نمونه های دیگر: ثمرات عقل را بچین حتی اگر از نفسی فرومایه باشد. (وطواط، ۱۴۲۹، ج ۱: ۴۴) و (آ. ۵۸) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۸۳)، پرهیز از سوءظن (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۷) و (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۹) و (آ. ۵۵۷۳) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۵۰)، اهمیت عدالت (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۴۷) و (آ. ۸۷۲۲) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۵۲)، قناعت موجب عزت نفس (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) و (آ. ۲۳۱) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۶۲)، قناعت موجب خشنودی از زندگی (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۷) و (آ. ۴۱۰) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۶۲) و...

۲-۳. مضامین ایرانی در احادیث نبوی

در میان سخنان گهربار رسول اکرم (ص) تعداد ۲۰ حکمت وجود دارد که تعداد ۳ حکمت عیناً تکرار شده و ۱۷ حکمت دارای مضمون مشترک با کلام ایرانیان باستان است. در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

### ۲-۳-۱. حکمت‌هایی که عیناً تکرار شده‌اند

- ۱- در برخی از گنجینه‌های پادشاهان ایران، لوحی از سنگ پیدا شد که روی آن نوشته شده: «كُن لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو.» (بیهقی، بی تا، ج ۱: ۱۳۳) (به چیزی که امیدش را نداری، امیدوارتر باش از آنچه بدان امیدواری.) این عبارت به رسول خدا (ص) نیز منسوب شده است. (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۸: ۲۰۳)
- ۲- قَالَ بُرْجَهْرُ: «خَيْرُ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ.» (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۴) (بهترین بی نیازی، بی نیازی نفس است.) پیامبر (ص): «أَيْسَرُ الْغِنَى مِنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَ لَكِنْ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۵: ۵۷)
- ۳- از نصایح یکی از شاهان به پسرش: «لَا تَحْقَرَنَّ ذَنْبًا...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۴) (در وصیتی از یکی از پادشاهان ایرانی به پسرش: هرگز گناهی را کوچک نشمار...) پیامبر (ص): «لَا تَحْقَرَنَّ ذَنْبًا وَ لَا تَصَغُرْهُ وَ اجْتَنِبِ الْكِبَائِرَ.» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۳۹۵)

### ۲-۳-۲. مضامین مشترک

در این بخش ۶ نمونه نقل کرده‌ایم، این نمونه‌ها به گونه‌ای است که تردیدی در اشتراک مضامین آنها وجود ندارد:

- ۱- مِنْ امثالِ الْفَرَسِ: «هَبْ مَنْ فَوْقَكَ يَهَبُكَ مَنْ دُونَكَ.» (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۳) (از امثال فرس: به مافوق ببخش تا زیردست به تو ببخشد.) پیامبر (ص): «ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» (سیوطی، بی تا، ج ۴: ۲۶۰)
- ۲- كَانَ قَبَادُ بْنُ فَيْرُوَزٍ يَقُولُ: «السَّفَرُ سَفِينَةُ الْأَذَى.» (ثعالبی، الإعجاز...، بی تا، ج ۱: ۶۶) (قباد بن فیروز گفت: سفر کشتی عذاب است.) پیامبر (ص): «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ إِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفْرَهُ فَلْيُسْرِعِ الْإِيَابَ إِلَى أَهْلِهِ.» (میدانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۴)
- ۳- قَالَ الْمُوَيْدُ يَوْمَ مَاتَ قَبَادُ: «كَانَ الْمَلِكُ أَمْسِي أَنْطَقَ مِنْهُ الْيَوْمَ، وَهُوَ الْيَوْمَ أَوْعَظُ مِنْهُ أَمْسِي.» (قرطبی، بی تا، ج ۱: ۲۱۷) (موید در زمان مرگ قباد گفت: پادشاه، دیروز ناطق تر از امروز و امروز پنددهنده‌تر از دیروز است.) پیامبر (ص): «كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۵: ۳۵)
- ۴- وَوَجِدَ فِي وَصِيَّةِ الْفَرَسِ: «...وَخَيْرُ الْعِلْمِ مَا هَدَاكَ.» (جاحظ، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۰) (در نصایح ایرانی آمده است: ...بهترین علم، علمی است که تو را هدایت می‌کند...) پیامبر (ص): «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَع.» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۷، ج ۸: ۴۰۲۲)

۵- قال الحکیم الفرس آذرباد: «... فَاَلْعُلُومُ وَ اَشْرَفُهَا الْعِلْمُ بِاللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جُودِهِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۷) (حکیم ایرانی آذرباد گفته است: .. علوم و شریف ترین آنها علم به شناخت خداوند عزوجل و سخاوت اوست ... «جاءَ رَجُلٌ اِلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ (ص) قَالَ: «مَا رَأَسُ الْعِلْمِ قَالَ مَعْرِفَةُ اللّٰهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج: ۳: ۱۴) ...

۶- قال هوشنخ: «... بِالْمِلَافَةِ يَكُونُ لِزِيَادَةِ الْمَوَدَاتِ...» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (هوشنخ: ... با ملاقات، محبت ها افزون می شود...) پیامبر (ص): «بِالزِّيَارَةِ تَثْبُتُ مَوَدَّةُ الْاِخْوَانِ.» (محمّدی ری شهری، ۱۳۶۷، ج: ۱: ۴۶۴)

نمونه های دیگر: زنجیر کردن دانش با نوشتن (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۷) و (متقی، ۱۳۸۹، حدیث: ۲۹۳۳۲)، مخالفت با رأی زنان (جاحظ، ۱۴۲۴، ج: ۱: ۳۷) و (بخاری، ۱۴۱۰: ۴۴۲۵) و (نسائی، ۱۴۲۱، ج: ۸: ۲۲۷) و (میدانی، بی تا، ج: ۲: ۳۸۲)، ارزش مال حلال (مسعودی، ۱۴۰۴، ج: ۱: ۲۹۶) و (قمی، ۱۴۰۲: ۳۱۹)، کسب حکمت با زهد (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) و (قمی، ۱۴۰۲، ج: ۲: ۴۰۸)، تأثیر همنشینی با بدان (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۸۵) و (متقی، ۱۳۸۹، حدیث: ۲۴۷۳۶) (همان، ۱۴۱)، مذمت مهمان ناخوانده (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج: ۱: ۴۳) و (مجلسی، ۱۳۸۶، ج: ۷۵: ۷۶۷) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۷۲)، ارزش امنیت (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج: ۱: ۵۲۰) (مجلسی، ۱۳۸۶، ج: ۷۸: ۱۷۰) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۷۵)، مذمت شوخی (طرطوشی، ۱۸۷۲، ج: ۱: ۹۸) و (طبرسی، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۳۲۱) اهمیت عدالت (ابن اثیر، ۱۴۱۲، ج: ۱: ۱۵۶) و (احسائی، ۱۴۰۳، ج: ۴: ۱۰۳) اهمیت مشورت (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج: ۱: ۱۳) و (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۹۴) و ...

## ۲-۴. ضرب المثل های عربی

### ۲-۴-۱. مضامین ایرانی در ضرب المثل های عربی

در میان ضرب المثل های عربی موجود در این پژوهش تعداد ۱۵ حکمت دارای مضامین مشترک با ضرب المثل های عربی است. در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱- قول برویز: «... وَ قَلَّ شَيْءٌ يَكُونُ فِي الْقَلْبِ إِلَّا ظَهَرَ فِي الْعَيْنِ، إِذْ كَانَتْ الْأَعْضَاءُ مُشْتَرِكَةً يَتَعَلَّقُ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ.» (جاحظ، ۱۳۳۲، ج: ۱: ۹۲-۹۳) (پرویز: و چیزی در قلب نیست مگر اینکه در چشم ها ظاهر می شود، زیرا اندام ها مشترک هستند و به یکدیگر متصل می شوند.) «اللَّحْظُ تَرْجَمَانُ الْقَلْبِ.» (میدانی، بی تا: ۴۵۳/۲) (نگاه سخنگو و مترجم قلب است.)

۲- كَانَ اَنْوَشِرْوَانُ يَقُولُ: «أَيَّامُ السُّرُورِ كَلْمَحِ الْبَصْرِ، وَأَيَّامُ الْحُزْنِ تَكَادُ تُكُونُ شُهُورًا.» (مسعودی، ۱۴۰۴، ج: ۱: ۱۱۸)، (انوشروان می گفت: ایام شادی، مانند یک چشم برهم زدن است و ایام غم و اندوه گویی ماه هاست.) عرب در این مضمون می گوید: «سَنَةُ الْوَصَالِ سِنَةٌ وَ سِنَةُ الْفِرَاقِ سِنَةٌ.» (میدانی، بی تا، ج: ۱: ۱۲۹) (یک سال



وصال یک چرت است یک چرت فراق یک سال است.)

۳- من أمثال الفرس: «مَا دَخَلَ مَعَ اللَّبَنِ لَا يَخْرُجُ إِلَّا مَعَ الرُّوحِ.» (توحیدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۹۲) آنچه با شیر وارد بدن می شود، تنها با روح از تن خارج می شود.) «عَادَةً تَرَضَّعَتْ بِرُوحِهَا تَنْزَعَتْ.» (میدانی، بی تا: ۵۱۸/۱) عادت می که با شیر فرو شده باشد با روح بیرون می رود.) نیز نک: (یاری گل دره، ۱۳۹۸: ۲۲۴)

۴- هرمز: «يَا مَعْشَرَ النَّاسِ اجْتَنِبُوا السَّبِيْعَاتِ فَتَعْدِمُوا الْخَوْفَ.» (خوارزمی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۹۷) (ای مردم از بدی ها پرهیز کنید تا از ترس در امان باشید.) «الْحَائِثُ خَائِفٌ.» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۴)؛ (خیانتکار ترسان است.) «كُنْ بَرِيًّا وَاقْتَرِبْ كُنْ مُرِيْبًا وَاعْتَرِبْ.» (همان)؛ (پاک باش و نزدیک؛ متهم باش و دور)

۵- من أمثال الفرس: «بِالتَّأْنِي يُدْرِكُ الْغَرَضُ.» (ثعالبی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۳) (از امثال فرس: با آرامش، هدف به دست می آید.) الصَّبْرُ مَطِيْبَةُ الظَّفَرِ. (میدانی، بی تا، ج ۱: ۴۱۷) (صبر مرکب پیروزی است) «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ.» (همان) (صبر کلید پیروزی است.)

۶- قَالَ اَبْرُوَيْزُ: «الْمَلِكُ عَقِيْمٌ، اَي: لَا اَرْحَامَ بَيْنَ الْمُلُوْكِ وَبَيْنَ اَحَدٍ.» (ثعالبی، الإعجاز...، بی تا، ج ۱: ۱۷۰) (پرویز گفت: پادشاه عقیم است، یعنی هیچ صله ای بین پادشاه و دیگران وجود ندارد.) «الْمَلِكُ عَقِيْمٌ.» (میدانی، بی تا، ج ۲: ۱۶) (پادشاهی سترون باشد.)

نمونه های دیگر: تواضع، عامل بزرگی (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۲۶) و (طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۵۱)، اصلاح معاد با معاش (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) و (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۰۷) نیز نک: (سبزیان پور و رشیدی، ۱۴۰۱: ۱۵۹)، سختی سفر (ثعالبی، الإعجاز...، بی تا، ج ۱: ۶۶) و (میدانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۴)، اهمیت رازداری (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۰۴) و (میدانی، بی تا، ج ۱: ۳۴۰)، شکر نعمت و افزونی نعمت (ابن اثیر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۵۶) و (میدانی، بی تا، ج ۱: ۵۷)، اطاعت نکردن از زنان (جاحظ، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۷) و (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱: ۱۸۱)، گواهی قلب از درون انسان (جاحظ، ۱۳۳۲، ج ۱: ۹۲-۹۳) (میدانی، بی تا، ج ۱: ۴۵۳)

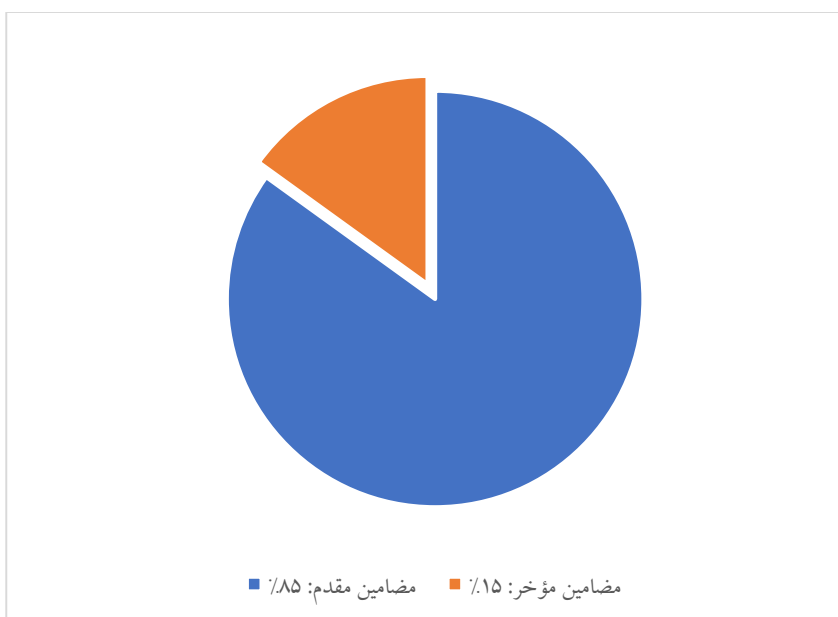
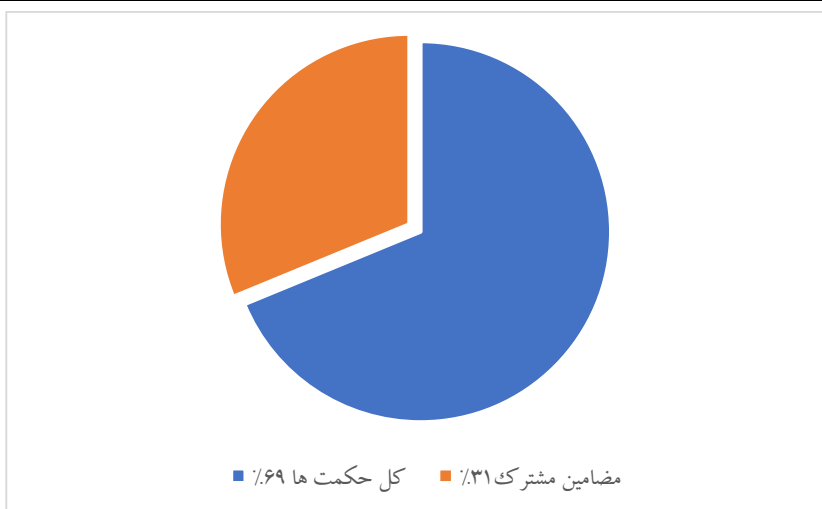
و ...

#### جدول مقایسه مضامین مشترک در حکمت های ایرانی و منابع اسلامی (منبع: یافته های پژوهش)

تأخر	تقدم	مؤلفینی که احادیث و روایات و ضرب المثل های عربی را نقل کرده اند	مضمون مشترک	تعداد حکمت	مؤلفینی که حکمت های ایرانی را نقل کرده اند
۰	۸	مقایسه با بخاری (ت ۲۵۶هـ)، نسائی (ت ۳۰۳هـ)، شیخ صدوق (۳۸۱هـ)، سیدرضی (ت ۴۶۰هـ)، میدانی (۵۱۸هـ)، آمدی (۵۵۰هـ) و مجلسی (۱۱۱۰هـ)	۸	۱۴	جاحظ (ت ۲۵۵هـ)

۰	۳	با کراجکی (ت ۴۴۹هـ)، سیدرضی و آمدی	۳	۱۶	ابن قتیبه (ت ۲۷۶هـ)
۰	۱	با شیخ صدوق (ت ۳۸۱هـ) و مجلسی (ت ۱۱۱۰هـ)	۱	۴	بیهقی (ت ۳۰۲هـ)
۰	۳	با سید رضی، آمدی و ابن شعبه حرانی <sup>(۴)</sup>	۳	۱۳	ابن عبد ربه (ت ۳۲۸هـ)
۰	۱	با آمدی	۱	۱	زجاجی (ت ۳۳۷هـ)
۰	۳	با آمدی، میدانی و قمی (۱۳۵۹هـ)	۳	۸	مسعودی (ت ۳۴۶هـ)
۰	۲	با آمدی و حلوانی <sup>(۵)</sup>	۲	۹	خوارزمی (ت ۳۸۳هـ)
۰	۲	با آمدی و میدانی	۲	۹	توحیدی (ت ۴۰۰هـ)
۰	۴	با سید رضی و آمدی	۴	۱۰	آبی (ت ۴۲۱هـ)
۲	۴۰	با کلینی (۳۲۹هـ)، سید رضی، آمدی، میدانی، طبرسی (ت ۵۴۸هـ)، سیوطی (ت ۹۱۱هـ)، متقی (ت ۹۷۵هـ)، مجلسی (ت ۱۱۱۰هـ) و قمی	۴۲	۷۰	ابن مسکویه (ت ۴۲۱هـ)
۰	۱۹	با سید رضی، میدانی، آمدی، سیوطی و مجلسی	۱۹	۳۲	ثعالبی (ت ۴۲۹هـ)
۰	۲	با سید رضی	۲	۲۰	ماوردی (۴۵۰هـ)
۰	۳	با آمدی، میدانی و مجلسی	۳	۵	راغب اصفهانی (ت ۵۰۲هـ)
۱	۴	با سید رضی، طبرسی و آمدی	۵	۱۱	طرطوشی (۵۲۰هـ)
۱	۰	با سید رضی	۱	۷	زمخشری (ت ۵۳۸هـ)
۲	۰	با سید رضی و آمدی	۲	۴	یاقوت حموی (ت ۶۲۴هـ)
۱	۰	با میدانی	۱	۱	ابن اثیر (ت ۶۳۷هـ)
۲	۰	با آمدی و ابن شعبه حرانی	۲	۶	قرطبی (ت ۶۷۱هـ)
۶	۱	با سید رضی، آمدی و سیوطی	۷	۷	ابن طقطقی (ت ۷۰۹هـ)
۱	۰	با سید رضی و آمدی	۱	۱	وطواط (ت ۷۱۸هـ)
۱	۰	با سید رضی	۱	۱	عاملی (۱۰۳۱هـ)
۱۷	۹۶		۱۱۳	۲۴۹	جمع

نمودار شماره ۱: مقایسه بسامد مضامین مشترک در حکمت‌های ایرانی و منابع اسلامی (منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودار شماره ۲: (منبع: یافته‌های پژوهش)

از مقایسه تاریخ وفات مؤلفین و مضامین مشترک آنها بر اساس جدول و نمودار فوق این مسئله روشن گشت؛ از میان ۲۴۹ حکمت ایرانی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، تعداد ۱۱۳ حکمت، دارای مضمون مشترک با منابع اسلامی است و از میان این ۱۱۳ حکمت، تعداد ۹۶ حکمت قبل از مؤلفان اسلامی و تعداد ۱۷ حکمت بعد از آنها در منابع عربی دیده شده است. بر اساس نمودار شماره یک ۳۱٪ از این حکمت‌ها هم‌مضمون با مضامین اسلامی و عربی است و بر اساس نمودار شماره ۲، ۸۵٪ از این

حکمت‌های مشترک، قبل از منابع اسلامی و ۱۵٪ بعد از منابع اسلامی در منابع عربی نقل شده‌اند. در توجیه و تفسیر این دو نمودار می‌توان گفت: حضور این شواهد ایرانی، در کنار احادیث و روایات، از یک سو بیانگر تأثیر گستردهٔ فرهنگ ایرانی در ادب عربی است و از دیگر سو نشان‌دهندهٔ قرابت فکری ایرانیان باستان با اندیشه‌های ناب اسلامی است که به شکل کمال یافته آن را در تعالیم اسلام و سخنان بزرگان آن می‌بینیم. البته گزینش سخنان همسو با فرهنگ اسلامی و حذف خرافات و دیدگاه‌های منافی با اندیشه‌های اسلامی از عوامل مهم بروز این اشتراکات است و نقش مؤثر فضای دینی و سیاسی حاکم را در گزینش مضامین همسو و موافق با فرهنگ اسلامی نباید نادیده گرفت.

بر این اساس می‌توان سؤالات و احتمالات زیر را در نظر گرفت:

آیا احتمال جعل و انتساب دروغین این سخنان وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: این احتمال می‌رود که برخی از این مضامین حکمی و اخلاقی از ایرانیان باستان أخذ شده و به سبب تعصبات دینی و عشق به رهبران مذهبی و نیز مقبولیت آنان، وارد احادیث و روایت اسلامی شده است. جعل و انتساب ناروایی که با انگیزه‌های متفاوت با دیوان منسوب به امام علی (ع)، اشعار خیام، ابونواس، ابوالعتاهیه، بابا طاهر و ... صورت گرفته است.

توحیدی (۱۴۱۹، ج ۲: ۵۳۲-۵۳۳) ادعا کرده است از فردی موثق شنیده که یکی از اصحاب امامیه حکمت‌های بزرگمهر را به امام علی (ع) نسبت می‌داده وقتی از او دلیل این کار را می‌پرسند، می‌گوید: «أَلِحُّ الْحِكْمَةَ بِأَهْلِهَا.» (حکمت را به صاحبش می‌رسانم.) سخن آمدی در مقدمهٔ غررالحکم، قابل تأمل است زیرا صریحاً اقرار به تصرف در سخنان علی (ع) می‌کند: «آنچه که از سخنان حکیمانه و کلمات (شاهانه) آن حضرت بود تمامی را از حیث سجع و قافیه موافق و مطابق یکدیگر قرار دادم. زیرا با این ترتیب آن کلمات در گوش، جای گیرنده‌تر و در دل‌ها فرودآینده‌تر و نفوس هم به سوی کلام منظوم میلش بیشتر است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴) از نمودهای این منازعات سیاسی، جنجال بر سر زبان اهل بهشت و جهنم است که ایرانیان با جعل احادیث مدعی شدند زبان رحمت خداوند و اهل بهشت فارسی است و زبان عربی زبان قهر خداست در مقابل، عرب‌ها زبان فارسی را زبان اهل جهنم دانستند و... (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۹۵-۱۰۱) نیز نک: (سبزیان‌پور و صالحی، ۱۳۹۱: بررسی دادورزی...: ۱۶۲)

نمونهٔ دیگر جعل و تحریف صد جمله‌ای است که جاحظ به عنوان یک سخن‌شناس عرب از علی (ع) نقل کرده است. با آنکه در صحت انتساب این عبارات حکیمانه به علی (ع) اندک تردیدی وجود ندارد،

دست‌های پیدا و پنهان پس از جاحظ ۵۹ مورد از این سخنان را در متون ادبی و دینی بی‌نام و نشان و یا منسوب به دیگران نقل کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر نک: (سبزیان‌پور، ۱۴۲۹: ۷۷-۹۶)

سوال دیگر این است که آیا احتمال جعل مضامین اسلامی و عربی با انگیزه شعوبی وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: این احتمال منتفی نیست زیرا شعوبیه در اثر افراط و زیاده‌روی جریان اموی، گرفتار افکار نژادپرستانه شد، آنها که به برتری نژاد ایرانی باور داشتند، کوشیدند با سود جستن از تفاسیر و برداشت‌های خاص بر فرق کلامی تأثیرگذار باشند. نیز نک: (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

ایرانیان برای حفظ فرهنگ خود، از طریق اشکال مختلفی چون مباحثات مجلسی، ترجمه، تألیف کتاب و انتشار اشعار کنایه‌دار و ضد عربی اهداف خود را پیش بردند. اعضای فرقه شعوبیه دریافته بودند که شکست یک ملت به ساقط شدن حکومت و از هم پاشیدن نیروی نظامی آن نیست، بلکه به نابود شدن ارزش‌های فرهنگی آن وابسته است. در همین راستا آنان شروع به ترویج آثار تاریخی، پدیده‌های فکری، آداب و منش‌های ملی، یادگارهای سنتی و آیین‌های ایرانی کردند تا این که به رکن فرهنگی یعنی اعتلاء بخشیدن به زبان رسیدند. نک: (انصاف‌پور، ۱۳۹۵: ۷۶) و گروهی از فرهیختگان شعوبیه نیز از آنجا که فاقد ابزارهای سیاسی لازم برای مبارزه علیه تفکر جاهلی برتری عرب بودند، به ناگزیر یک نهضت ادبی برابری طلبانه را به راه انداختند تا با بهره‌گیری از این ابزار کم‌خطر اما ماندگار و اثرگذار، پرچم این مبارزه فرهنگی را همچنان افرشته نگاه دارند، آنها در حوزه تاریخی، آثاری در قالب جعل قطعات و روایات تاریخی در جهت اهداف سیاسی و عقیدتی کوتاه مدت و تعظیم پیشینه تاریخی، سیاسی و فرهنگی ایران باستان و پادشاهان آن ایجاد کردند. نک: (معظمی، ۱۳۹۸: ۱۷۶)

در این رهگذر مؤرخان ایرانی - اسلامی، از جمله (ثعالبی، ابوحنیفه دینوری، مسعودی، ابن مسکویه و...) متأثر از فضای شعوبی و میهن‌دوستی سده‌های سوم تا پنجم هجری، در آثار خویش اهمیت زیادی برای تاریخ ایران پیش از اسلام قائل بوده‌اند و جنبه‌های مختلف فرهنگی و تمدنی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. آنها نگارش تاریخ جهان را از کیومرث، به عنوان نخستین انسان، آغاز کرده و با نوشتن تاریخ سلسله‌ها و پادشاهان ایرانی ادامه داده‌اند. حتی در نگارش تاریخ دوره اسلامی هم، علاوه بر این که متأثر از تاریخ باستانی ایران هستند، سرزمین‌های خلافت شرقی و ایران را محور تاریخ‌نویسی خود قرار داده‌اند. همچنین در این دسته از تواریخ، مؤلفه‌های اصلی و شاخص حکومت‌داری ایرانیان پیش از اسلام، مورد توجه جدی قرار گرفته و شیوه‌های اخلاقی و حکومت‌داری پادشاهان ایران باستان برجسته شده است.

نک: (معصومی و عبدالملکی، ۱۳۹۶: ۲۵۰)

بنابراین ظهور نهضت شعوبیه که در پی نفی برتری طلبی‌های اعراب بر سایر گروه‌های قومی بود، فضای فکری و فرهنگی آن زمان را برای پیوند دادن روح ایران و اسلام مهیا کرده بود، تأکید بر اشتراکات دینی و اجتماعی اسلام و ایران در آثار مؤرخان قرن سوم هجری به بعد به وفور دیده می‌شود. بسیاری از اندرزه‌های پادشاهان ایرانی که در این تواریخ آمده شباهت زیادی با احادیث اسلامی دارد و برخی معتقدند که قرآن و عقاید دینی مسلمانان بر کتاب‌های زرتشتی قرن سوم تأثیر فراوان نهاده‌اند. (یارشاطر، ۱۳۸۱: ۵۵)

در توجیه این اشتراک مضمون برخی از محققان اسلامی بر این باورند که منابعی در اختیار امامان شیعه بوده که بنا به دلایل خاص و امنیتی در اختیار دیگران قرار نگرفته ولی تأثیر آنها به شکل شفاهی و سینه به سینه موجب بروز این اشتراکات شده است. بدیهی است که این استدلال اختصاص به اندیشه‌های دینی و مذهبی دارد و در چارچوب تحقیق و پژوهش جایگاه استواری ندارد.

### ۳. نتیجه‌گیری

۱- اغلب (۸۵٪) حکمت‌های مشترک قبل از منابع اسلامی و عربی از ایرانیان نقل شده و به سبب تعصب دینی و یا مقبولیت رهبران دینی رنگ و بوی روایت و حدیث گرفته و جزئی از فرهنگ اسلامی و عربی شده است.

۲- برخی از افراطی‌گران شعوبی و مورخان ایرانی-اسلامی مضامین اسلامی و عربی را (۱۵٪) به حکیمان ایرانی نسبت داده‌اند.

۳- شباهت برخی از این مضامین ممکن است به سبب توارد با منشأ تجربه، عقلانیت و آموزه‌های دینی باشد.

۴- مضامین حکمی موجود در منابع اسلامی مقدم، به سبب تقدم تاریخی از اصالت بیشتری برخوردار است. اما این اصالت در خصوص منابع مؤخر پایه و اساس استواری ندارد.

### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) در پژوهشی دیگر با عنوان «حکیمانه‌های پارسی در ادب عربی» (۱۴۰۱) به معرفی حکمت‌هایی پرداخته شده است که در کتاب «حکمت‌های ایرانیان باستان در منابع عربی» از قلم افتاده یا مغفول مانده‌اند. حاصل این پژوهش معرفی بیش از ۲۵۰ مضمون حکمی ایرانی در ۳۳ منبع عربی از ۲۵ نویسنده است. با توجه به اینکه این ۲۵۰ سخن حکیمانه در پژوهش پیشین معرفی نشده، دامنهٔ کاوش را به آنها محدود کرده، مضامین مشترک با فرهنگ عربی اسلامی (نهج البلاغه، غررالحکم، احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی) را نشان داده‌ایم.

(۲) علائم اختصاری در این پژوهش به شرح زیر است: خطبه (خ)، نامه (ن)، کلمات قصار (ق)، آمدی (آ)

(۳) از آنجا که مضامین نهج البلاغه و غرر الحکم از طریق نرم‌افزار و تفاسیر موضوعی آن به سادگی در دسترس قرار دارد، برای رعایت اختصار و تنگنای حجم مقاله، از ترجمه و گاه از اشاره به متن آن خودداری کرده، خواننده را به شماره خطبه، نامه، کلمه قصار و یا حدیث ارجاع داده‌ایم.

(۴) در باره تولد و وفات وی اطلاعاتی در دست نیست، اما وی را از معاصرین شیخ صدوق (۳۸۱هـ) و محمد بن همام (۳۳۶هـ)، و از مشایخ شیخ مفید (۴۱۳هـ) دانسته‌اند.

(۵) بر اساس علم طبقات رجال و با توجه به سال وفات مشایخ حلوانی می‌توان وی را از محدثان قرن پنجم قمری دانست. (قمی، ۱۳۸۴: ۵۷)

## منابع و مأخذ

### نهج البلاغه

ابن الطقطقی، محمد بن علی (۱۴۱۸). الفخری فی الآداب السلطانية و الدول الإسلامية. المحقق: عبد القادر محمد مایو. الطبعة الأولى. بیروت: دار القلم العربی.

ابن القتیبه، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸). عیون الأخبار. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن القتیبه، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۹). تأویل مختلف الحدیث. الطبعة الثانية. المكتب الاسلامی - مؤسسة الإشراف.

ابن شعبه الحجازی، حسن بن علی (۱۳۹۵). تحف العقول. چاپ هفتم. موسسه فرهنگی دار الحدیث.

ابن عبدربه، أبو عمر شهاب الدین أحمد (۱۴۰۴). العقد الفرید. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۴۱۶). الحکمة الخالدة. تحقیق: عبد الرحمن بدوی. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.

ابن الأثیر، عزالدین (۱۴۱۲). الکامل فی التاریخ. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.

احسائی، ابی جمهور (۱۴۰۳). عوالی اللغالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. چاپ یکم. قم.

امین، احمد (بلاتاریخ). ضحی الإسلام. بیروت: دارالکتب العربی.

انصاف پور، غلامرضا (۱۳۹۵). روند نهضت ملی و اسلامی در ایران از اسلام تا یورش مغول. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

الآبی، ابوسعید، منصور بن الحسین (۱۴۲۴). نثر الدر فی المحاضرات. المحقق: خالد عبد الغنی محفوظ. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة.

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵). چالش میان فارسی و عربی. چاپ اول. نشر نی.

آزری، آرتورجان (۱۹۵۹). تراث فارس. ترجمه: یحیی الخشاب. قاهره: دار إحياء الكتب العربية.

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه انصاری قمی. چاپ دوم. قم: دارالکتب الإسلامی.

البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰هـ). صحیح البخاری. طبعة الثانية. قاهره: لجنة إحياء كتب السنة.

البیهقی، إبراهيم بن محمد (بلاتاریخ). المحاسن و المساوی. وضع حواشیه: عدنان علی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: مهارت.

التوحیدی، أبوحیان (۱۴۱۹). الصداقة و الصدیق. المحقق: إبراهيم کیلانی. بیروت: دار الفكر المعاصر.

- ثعالی، أبو منصور (۱۴۰۱). التمثیل و المحاضرہ. المحقق: عبد الفتاح محمد الحلو، الطبعة الثانية. الدار العربية للكتاب.
- ثعالی، أبو منصور (بلا تاریخ). الأعجاز و الإيجاز. القاهرة: مكتبة القرآن.
- ثعالی، أبو منصور (بلا تاریخ). خاص الخاص. المحقق: حسن الأمين. بیروت: دار مكتبة الحياة.
- الجاحظ، عمرو بن بحر (۱۳۳۲). التاج فی اخلاق الملوك. المحقق: أحمد زکی باشا. القاهرة: المطبعة الأميرية.
- الجاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۴). التبصرة بالتجارة فی وصف ما يستظرف فی البلدان من الأمتعة الریعة والأعلاق النفیسة والجواهر الثمينة. المحقق: حسن حسنی عبد الوهاب التونسي. الطبعة الثالثة. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی و نقد جریان فکری شعوبیه و تأثیر آن بر کلام شیعی. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم. سال چهاردهم، (۱)، ۱۷۱-۱۹۸.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. تحقیق: مدرسه امام مهدی. قم.
- خوارزمی، أبو بکر محمد بن العباس (۱۴۱۸). مفید العلوم و مفید الهموم. بیروت: المكتبة العنصرية.
- دوفوشه کور، شارل هانری (۱۳۷۷). اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا هفتم هجری. ترجمه محمد علی امیر معزی و عبد الحمید روح بخشان. مرکز نشر دانشگاهی.
- الراغب الإصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد (۱۴۲۰). محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء. عدد الأجزاء: ۲. الطبعة الأولى. بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
- سبزیان پور، وحید (۱۴۲۹). تيارات التذلیس فی اسناد کلمات الإمام علی (ع) من الجاحظ الی لؤیس معلوف. مجلة العلوم الإنسانية للجمهوریة الإسلامیة الإيرانية، السنة الخامسة عشر، (۱۵)، ۷۷-۸۹.
- سبزیان پور، وحید و پیمان صالحی (۱۳۹۴). حکمت های ایرانیان باستان در منابع عربی. تهران: یاردانش.
- سبزیان پور، وحید و پیمان صالحی (۱۳۹۱). بررسی دادورزی ایرانیان در منابع عربی و مقایسه آن با نهج البلاغه. نشریه پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، سال دوم، (۴)، ۱۴۵-۱۶۹.
- سبزیان پور، وحید، رشیدی، نرگس (۱۴۰۱). حکیمانه های پارسی در ادب عربی. چاپ اول. تهران: یار دانش.
- سیوطی، جلال الدین (بلا تاریخ). جامع الأحادیث. دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شیخ صدوق (۱۳۷۶). امالی. تهران: انتشارات کتابچی.
- ضیف، شوقی (۱۴۲۷). تاریخ الأدب العربی ۳. الطبعة الثانية. ذوی القربی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۸). مکارم الأخلاق. تهران: انتشارات حبیب.
- الطرطوشی، محمد بن الولید (۱۸۷۲). سراج الملوك. تحقیق: جعفر البیاتی. الطبعة الأولى. ریاض: الیس للکتب و النشر.
- العاملی، بهاء الدین (۱۴۱۸). انکشکول. المحقق: محمد عبد الکریم النمري، عدد الأجزاء: ۲. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قرطبی، الإمام ابو یوسف بن عبد الله النمري (بلا تاریخ). بحجة المجالس و انس المجالس و شحد الناهن و اهاجس. تحقیق: محمد مرسی الخولی.
- قمی، عباس (۱۴۰۲). سفینة البحار و مدینة الحكم و الآثار. تهران: انتشارات فراهانی.



- قمی، هادی (۱۳۸۴). چشم تماشا نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. مجله آينه پژوهش، (۹۲)، ۵۷-۶۲.
- كراجكى، محمد بن على (۱۴۱۰). كنز الفوائد. چاپ يكم. قم: دار الذخائر.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۹۱). اصول كافى. چاپ دوم. دار الثقليين.
- الموردي، أبو الحسن بن محمد بن حبيب البصرى (بلا تاريخ). تسهيل النظر و تعجيل الظفر فى اخلاق الملك. بيروت: دار النهضة العربية.
- المتقى، علاء الدين على (۱۳۸۹). كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال. بيروت: دارالكتب العلمية.
- مجلسى، محمد باقر (۱۳۸۶). بحار الأنوار. چاپ چهارم.
- محمدى رى شهرى، محمد (۱۳۶۷). ميزان الحكمة. چاپ دوم. قم: مكتب الأعلامى الإسلامى.
- المسعودى، أبو الحسن على بن الحسين بن على (۱۴۰۴). مروج الذهب. عدد الأجزاء ۴. الطبعة الثانية. قم: دار الهجرة.
- معصومى، محسن، عبدالملكى، محمد (۱۳۹۳). ایرانی گرایى در آثار مؤرخان ایرانی - اسلامى در سده هاى سوم تا پنجم هجرى. پژوهشنامه تاريخ تمدن اسلامى، سال چهل و هفتم، (۲)، ۲۶۶-۲۴۷.
- معظمى، جميله (۱۳۹۸). واكاوى نهضت شعوبيه و تبیین عناصر ادب پايدارى آن. نشریه مؤسسات تحقیقاتى علوم اسلامى - انسانى، دانشگاه تبریز، سال هجدهم، (۵۷)، ۱۶۳-۱۸۸.
- الميدانى، أبو الفضل (بلا تاريخ). مجمع الأمثال. تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد. عدد الأجزاء: ۲. بيروت: دار المعرفة.
- النسائى، احمد بن شعيب (۱۴۲۱). السنن الكبرى. محقق: عبدالمنعم شلى. الطبعة الأولى. مؤسسة الرسالة.
- وطواط، أبو إسحق برهان الدين محمد بن إبراهيم (۱۴۲۹). غرر الخصائص الواضحة و عرر النقائص الفاضحة. تحقيق: إبراهيم شمس الدين. الطبعة الأولى. بيروت: دار الكتب العلمية.
- يارشاطر، احسان (۱۳۸۱). حضور ایرانیان در جهان اسلام. ترجمه: دکتر فریدون بدره‌ای. چاپ اول. تهران: باز.
- یاری گل دره، سهیل (۱۳۹۸). فرهنگ ضرب المثل های عربی. گزیده امثال عربی. قم: ادبیات.

## References

- Nahj al-Balagha. (In Arabic)
- Al-Abi, A. M. B. H (2003); Durr's prose in lectures, Detective: Kh. A. Mahfoot, first edition, Beirut: Dar al-Kotob al-Elamiya. (In Arabic)
- Arberry, A. J (1959); Persia's legacy, translated by: Y. Al-Khashab, Cairo: Dar Ihya Al-Kotob al- Arabiya. (In Arabic)
- Azarnoush, A (2006), The challenge between Persian and Arabic, first edition, published nay. (In persian)
- Amadi, A. B. M (1989), Gharar judgment and pearls of words, second edition, Qom: Dar al-Kitab al- Islami. (In Arabic)
- Ibn al-Athir, I (1991); complete in history, researched by Omar Abd al-Salam Tadmari, Beirut: Dar al Kitab al-Arabi. (In Arabic)
- Ibn al-Taftaqi, M. B. A (1997); Honorary in Royal Etiquette and Islamic Countries , Detective: A. Q. M. Mayo, first edition, Beirut: Dar al-Qalam al-Arabi. (In Arabic)

Ibn al-Qatibah, A. M. B. M (1998); different interpretation of hadith, second edition, al-Mahabro al-Islami - Est. al-Ishraq. (In Arabic)

Ibn Shuba al-Harrani, H. B. A (2016); masterpieces of minds, 7th edition, Dar Al Hadith Cultural Institute. (In Arabic)

Ibn Abd Rabbah, A. Sh. A (1983), Unique Contract, first edition, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya. (In Arabic)

Ehsai, A. J (1982); Awali Al-Laali Al-Aziziah in the religious hadiths, 1st edition, Qom. (In Arabic)

Insafpour, Gh (2015); The process of the national and Islamic movement in Iran from Islam to the Mongol invasion, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. (In persian)

Al-Bukhari, M. B. I (1989); Sahih al-Bukhari, second edition, Cairo: Committee for the Revival of Books of the Sunnah. (In Arabic)

Amin, A (no date sacrifice Islam, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Arabic)

Al-Bayhaqi, I. B. M (no date); Pros and cons, footnotes: A. Ali, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya. (In Arabic)

Tafzoli, A (1997); History of Iranian literature before Islam, Tehran: Mahart. (In persian)

Al-Tawhidi, A. H (1998); Friendship and friend, Detective: I. Al-Kilani, Beirut: Dar Al-Fekr al-Mawdeen. (In Arabic)

Thaalabi, A. M (1980); Acting and lecturing .Detective: A. F. M. Al-Hallu, second edition, Al-Dar al- Arabiya for books. (In Arabic)

Thaalabi, A.M (no date); special private. Detective: H. Al-Amin, Beirut: Al-Hayat Library. (In Arabic)

Al-Jahiz, A. B. B (1993), An insight into trade in describing what is lavish in countries of fine luggage, precious ties, and precious jewel , Detective: H. H. A. al-Wahhab Al-Tunisi, 3rd edition, Cairo: Al- Khanji Library. (In Arabic)

Al-Jahiz, A. B. B (1913); The crown in the morals of kings, Detective: A. Z. Basha, Cairo: printing press Al-Amiriyya. (In Arabic)

Halwani, H. B. M (1987); Excursion of the beholder and alert the mind, Research: Imam Mahdi School, Qom. (In Arabic)

Khwarazmi, A. M. I. A (1997); Useful science and repellent worries, Beirut: Al-Maktab al-onsoreiah. (In Arabic)

Dufouche Cor, Ch. H. (1998); Ethics, moral concepts in Persian literature from the 3rd to the 7th century AH, translated by M. A. Amir Moazi and A. H. Rooh Bakhshan, Academic Publishing Center. (In persian)

Al-Raghib al-Isfahani, A. H. B. M (1999); Lectures by writers and dialogues by poets and rhetoricians, number of parts: 2, first edition, Beirut: compani Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam. (In Arabic)

Sabzianpour, V. Salehi .P (2014); The wisdom of ancient Iranians in Arabic sources, Tehran: Yordanesh. (In persian)

Sabzianpour, V. Rashidi, N. (2022); Persian wisdom in Arabic literature, first edition, Tehran: Yar Danesh. (In persian)

Siyuti, J. (no date); The hadith collector, Dar Al-Fikr Lel-Tabaateh, va Al-Nashr, va Al-Tawzi'ah. (In Arabic)

Sheikh Sadouq (1997), Amali, Tehran: Kitabchi Publications. (In persian)

Zaif, Shoghi (1427). History of Arabic literature 3. The second edition. Dhu al-Qarbi. (In Arabic)

Tabarsi, F. B. H (1999); Noble morals, Tehran: Habib Publications. (In Arabic)

Ameli, B (1997); Al-Kashkul, Detective: M. A. K. al-Nimri, number of parts: 2, first edition, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya. (In Arabic)

Qurtubi, I. A.Y. B. A (no date); The joy of the councils, the forgetfulness of the councils, the sharpening of the mind and the obsessions, research: M. M. al-Khouli. (In Arabic)

Qomi, A (1981); The ship of the seas and the city of wisdom and antiquities, Tehran: Farahani Publications. (In Arabic)

Karajki, M. B. A (1989) treasure the benefits, 1st edition, Qom: Dar al-Zakhaer. (In Arabic)

Kilini, M. B. Y (2012), Principles of sufficient, second edition, Dar al-Saghalin. (In Arabic)

Al-Mawardi, A. H. I. M. I. H (no date), Facilitating consideration and hastening the victory in the morals of the king, Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya. (In Arabic)

Majlisi, M. B (2016); sailor lights, 4th edition. (In Arabic)

Mohammadi Ray Shahri, M (1988); Wisdom scale, second edition, Qom: Al-Alami Islamic School. (In Arabic)

Al-Mutaghi, A. A (2009); Treasure of workers in the Sunan of words and deeds, Beirut: Dar al-Kotob al-Alamiya. (In Arabic)

Al-Masudi, A. A. B. H. B. A (1983); gold meadows, 4 parts number, second edition, Qom: Dar al- Hijra. (In Arabic)

Al-Meidani, A. F (no date); Proverbs Complex, research: M. M. A, number of parts: 2, Beirut: Dar al- Marafah. (In Arabic)

Al-Nesa'i, A. B. Sh (2000); the big etiquette, Researcher: A. M. Shalabi, first edition, Al-Risala Foundation. (In Arabic)

Watawat, A. I. B. M. B. I (2008); deceived the obvious characteristics and exposed the obvious contradictions, research: I. Sh. first edition, Beirut: Dar al-Katb al-Elamiya. (In Arabic)

Arabic)

Yarshater, E (2002); The presence of Iranians in the Islamic world, translated by Dr. F. Badrei, first edition, Tehran: Baz Publications. (In persian)

Yari Gol-Dara, Sohail (2018), Dictionary of Arabic Proverbs, Selection of Arabic Proverbs, Qom: Literature Publications. (In persian)

Hosseini, M. R (2012). Reviewing and criticizing Shuaubiyah's thought flow and its influence on Shiite philosophy. Scientific Research Quarterly of Qom University, 14th year, (1), 171-198. (In persian)

Sabzianpour, V, Salehi, P (2012). Examining Iranian courtship in Arabic sources and comparing it with Nahj al-Balaghe. Journal of Comparative Linguistics Research, second year, (4), 169-145. (In persian)

Sabzianpour, V (2008). Currents of fraud in the attribution of the words of Imam Ali (peace be upon him) from Al-Jahiz to Luis Maalouf. Journal of Human Sciences for the Islamic Republic of Iran, 15th year, (15), 77-89. (In Arabic)

Qomi, H (1964). The eye of watching Excursion of the beholder and alert the mind. Research Mirror Magazine, (92), 57-62. (In persian)

Masoumi, M. Abdulmaleki, M (2013). Iranianism in the works of Iranian-Islamic historians in the third to fifth centuries of Hijra. Research Journal of the History of Islamic Civilization, 47th year, (2), 266-247. (In persian)

Moazzami, J (2018). Analyzing the Shuaubi movement and explaining the elements of its sustainability. Journal of Islamic-Humanities Research Institutions, Tabriz University, 18th year, (57), 163-188.(In persian)

abn alqutibihi, A. B.M (1998). News eyes. bayrut: dar al kotb aleilmiat. (In Arabic)

abn maskwayhi, A. B. M. (1996). Eternal wisdom. Investigated by: A.R.Badawi. Cairo: The almisriati Renaissance Library. (In Arabic)

Al-Zajji, A. A.R.I. I (1987). Amali. Investigation: A. S. Haron. Second edition, Beirut: dar aljil. (In Arabic)

Al-Tartushi, M.I. al-W (1872). Siraj Al-Muluk. Investigation: J. al-Bayati. First Edition, Riyadh: Al Rayes al kotb and Publishing. (In Arabic)

Al-Zamakhshari, J (1992). Spring of the righteous and the texts of the good guys. First Edition, Beirut: the most knowledgeable Foundation. (In Arabic)

Tha'alibi, A.m (no date). The miracle and the brief. alqahiratu: quran library. (In Arabic)